



توضیح یک ایراد



نویسنده: مهندس حسن حاصل طلب - مدیرعامل شرکت تولید الیاف پلی پروپیلن

آن بسیار مستهلک است (باز هم چون دخل و خرجش متناسب نیست) و ... همین طور ادامه دارد تا سیاهی کامل!

درس معلم ار بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد، طفل گریز پا را
به نظر می رسد گروهی که بر آستان مقوله ناظر به سستی و فترت صنعت نساجی تکیه بر دلایل خویش نموده اند، از اساس بهتر تیشه به ریشه این صنعت می توانند فرود آورند چرا که اصولاً جاذبه‌ای برای جلب نظر این طفل گریزها به عرصه صنعت نساجی باقی نمی ماند و قرائن نیز حکایت از همین زمزمه‌های زخم‌ت و خشن دارد. وقتی متولیان دولتی را با صنعتی مواجه می سازیم که نکبت و درماندگی ناشی از بدهی ها و تنگناهای مالی منبعث از فرایند تولید آن چشم نواز نخواهد بود، این صنعت چه پاسخی برای ادای دیون درخواستی در قالب دریافت تسهیلات خواهد داشت و براساس چه منطق و استدلال اقتصادی، دولتیان به سفره ای دعوت می شوند که اساساً پس از گستردن این سفره ، نانی در آن مشاهده نمی شود و این است که عزم دولتیان را طی این چند سال اخیر با این گونه سیاه نمایی ها، سست و در تردید سنگین غرق کرده ایم.

قطعاً متولیان صنعت و صنعتگران نساجی باید هر چه عاجل این تناقض گرفتاری و گزارش گونه خود را که بسیار شباهت به چوب دو سر وارونه ای دارد که از اساس فاقد کارایی لازم برای برافراشتن پرچم صنعت نساجی است؛ به طرز شایسته ای حذف و به جای آن واقعیت های صنعت نساجی را، بری از تصمیمات دولتیان که موجب محاق این صنعت گردیده است را بیان کنند و تابلوی این صنعت را بر ستونی استوار و محکم نصب نمایند تا همه رهگذران دولتی را بر آن نظر افتد و میخکوب نماید.

نمی توان پای بر زمینی استوار کرد که از سطحی محکم برخوردار است اما بر خاکی سست و غلتان بنا شده است.

از دیگر معضلات مذکور، نوسانات ارز و جاری بودن نرخ آن در تسویه حساب تسهیلات دریافتی برای احداث واحدهای تولیدی است که برای مثال ماشین آلات با یوروی ۸۵۰ تومانی خریداری شده اما باید با یوروی ۱۵۰۰ تومانی ادای دین شود که در این صورت مبنای بودن ارز خارجی و نوسان قیمت آن که اکثر نوسان آن افزایش نیز بوده است، موجبات آزدگی صاحبان صنعت نساجی را فراهم نموده است.

این دسته به دلیل نامتناسب بودن مقررات مالیاتی و یا ارزی را در بازدهی اندک و ضعیف صنعت نساجی خلاصه می نمایند و به طور واضح اظهار می دارند که مگر صنعت نساجی چه میزان خروجی دارد که بتواند از پس این نوع مالیات ها و هزینه های مالی برآید و با این که اساساً چرا باید مالیات ها، برای صنعت نساجی مشمول بخشودگی نگردد و آن را چرا معاف از مالیات اعلام نمی نمایند و فهرست بلندبالایی از مشکلات مشابه در این گروه می تواند جای بگیرد که اغلب در پس گفتار دسته اول نیز می توان نشانه‌هایی از آن را پیدا کرد.

حال اگر گویندگان و سخنرانان را از دسته بندی‌ها خارج کنیم با دو مقوله مواجهه و رودر رو خواهیم بود: نخست، مجموعه استدلال هایی است که دلالت بر محبوبیت صنعت نساجی دارند که اشاره وار مزیت‌هایی نظیر اشتغال زایی، ارزبری کم، استفاده از توانمندی های بومی، ارزش افزوده خوب و متناسب را می توان برای آن فهرست کرد.

در رتبه دوم گروه دلایلی قرار می گیرند که دلالت بر ضعف های صنعت نساجی دارند که سرشاخه های آنها را می توان به این شرح برشمرد؛ بازدهی کم و ضعیف صنعت نساجی (که چون نمی تواند تحمل یک درصد افزایش در مالیات بر ارزش افزوده را نیز تاب آورد) ، نیازمند حذف و یا کاهش مالیات ها می باشد (چون به نظر این عزیزان، شکننده است)، بدهی های معوق بانکی دارد (چون دخل و خرجش با هم نخوانده است)، رده سخت افزاری و ماشین آلات

معروف است که گفته اند " نفت در همه دنیا طلاست اما در کشور ما بلاست!" اگر در ، بر همین پاشنه بچرخد که قطعاً هم می چرخد، صنعت نساجی هم در همه دنیا طلاست اما در کشور ما بلاست. لذا تردید نکنید اگر این طور نیست، مطمئن باشید که به بلا گرفتارش خواهیم کرد، کار سختی نیست. در اکثر قریب به اتفاق همایش ها، کنفرانس ها و مجامعی که اهالی صنعت نساجی گرداگرد هم فرا می آیند، آوای گرفتاری های مبتلابه صنعت نساجی مکرر در مکرر به گوش می رسد. عمده تقاضای صنعتگران نساجی در غمز چشمی از متولیان دولتی خلاصه می شود و اغلب از این که صنعت نساجی چون طفلی بی سرپرست و یتیم رها گشته و مورد توجه و نوازش دولتیان صنعت قرار نمی گیرد؛ ابراز نگرانی می نمایند.

اعتلای صنعت نساجی را در پشتیبانی و حمایت وزارتین ذیربط دانسته و خواهان اختصاص تسهیلات مادی و یا معنوی به این صنعت می شوند . اگر این گروه از متقاضیان را دسته اول نام نهیم ، دلایل بسیار موجهی نیز در لزوم سررایز شدن تهسلات دولتی و توجهات ویژه به صنعت نساجی برمی شمارند.

از عمده دلایل مثبت توان بالای صنعت نساجی را در فراهم سازی فرصت های شغلی می تواند باشد و یا نظر به دوره بهره برداری طولانی مدت این صنعت مه برآورنده نیازهای عجین شده آحاد کشور است، به صفت "همیشگی و پیوسته بودنش" اشاره می شود و یا این که ارزبری آن در دوره طولانی فعالیتش در قیاس با سایر صنایع بسیار کم و درویشانه است و قس علی هذا.

اما دسته دوم فریادگران، گروهی هستند که اشارات مبسوط به ضعف و سستی های موجود در مقررات و قوانین جاری این صنعت دارند. از جمله نامتناسب بودن میزان مالیات بر ارزش افزوده در قبال درآمد اندک و بسیار ناچیز صنعت نساجی، یکی از مشکلات خانمان براندازی است که به بیان درمی آید (به زعم عزیزان سخنگو)